آموزش نماز

**ترتيب دكتر:**

**عبدالله بن أحمد بن علی الزید**

**ترجمه‌ی:**

**إسحاق دبيری**/

**تقدیم:**

**عبدالله حیدرى**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | آموزش نماز |
| **ترتیب دکتر:** | عبدالله بن أحمد بن علی الزید |
| **ترجمه‌ی:** | اسحاق دبیری/ |
| **تقدیم:** | عبدالله حیدری |
| **موضوع:** | فقه و اصول – احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
|  **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[**فهرست مطالب** ‌أ](#_Toc437247694)

[تقديم 1](#_Toc437247695)

[مقدمه مترجم 3](#_Toc437247696)

[مقدمه 7](#_Toc437247697)

[پيشگفتار 9](#_Toc437247698)

[فضل نماز 17](#_Toc437247699)

[طهارات و پاكيزگی 20](#_Toc437247700)

[نمازهای فرض 21](#_Toc437247701)

[صفت و چگونگی نماز 22](#_Toc437247702)

[نماز جمعه 28](#_Toc437247703)

[نماز جماعت 29](#_Toc437247704)

[نماز مسافر 30](#_Toc437247705)

[أذكار و أورادی كه بعد از نماز گفته می‌شود 32](#_Toc437247706)

[سنت‌های راتبه 32](#_Toc437247707)

[ترجمه‌ی نويسنده‌ی اين كتاب بطور مختصر 35](#_Toc437247708)

تقديم

از آن‌جایی که اسلام عزیز و اصول و احکام ارزشمند آن طی چند سال، و بلکه چند دهه أخیر، به ویژه در میان مسلمانان فارسـی زبان افغانستان و تاجیکستان بتاریکی گرائیده، و شاید بتوان گفت بفراموشی سپرده شده بود، که طبعاً هر جامعه‌ای مشکلات خاص خودش را داشته است، اینک که فرصت فراهم آمده لازم است هرچه بیشتر و بهتر در این زمینه کار و فعالیت انجام داد، تا راه برای فهم اصول و مزایا، و سپس احکام مختلف اسلام که بحق جابگوی تمامی مشکلات بشر در همه عرصه‌های زندگی است هموار گردد.

رساله کوتاهی که به نام «آمـوزش نماز» توسط دکتر عبدالله بن أحمد بن علی الزید -حفظه الله- بزبان عربی نگاشته شده، و برادر عزیزمان آقای إسحق دبیری آن را به زبان فارسی برگردیده، گام مثبتی در همین راستا است.

آقای دبـیری یکی از جوانان آگاه و فعالی است که شدیداً علاقه مند خدمت به اسـلام عزیز بوده، و بویژه در باب تألیف و ترجمه بزبان فارسی شـوق و علاقه خاصی دارد.

علاوه بر رساله «آمـوزش نماز» چند رساله مفید دیگر نیز نگاشته و یا ترجمـه کرده است که هم اکنـون زیـر چاپند از جمله:

1. مختصری از مناسک و راهنمای حج، تألیف.
2. قبر: عذاب و خوشی آن، ترجمه.
3. نامه‌ای برادرانه، ترجمه.
4. خداشناسی برای خردسالان، تألیف.
5. وجوب عمل به سنت رسول ج و کفر کسیکه آن را انکار کند، ترجمه.
6. واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است، ترجمه، و غیر از این‌ها.

بنده بعنوان یک طلبه مبتدی زبان فارسی، از ایـن فرایند نیک بسیار خوشحالم، و از اینکه آقای دبیـری این بنده ناچیز را أهل دانسته که أثرش را مراجعه کند و اظهار نظر نماید خوشحال‌تر.

پس قدم گذاشتن فعالانه شیخ إسحق دبیری را به عرصه خدمت به مسلمانان فارسی زبان برای ایشان و خـوانندگان شان تبریک عرض مى‌کنم، و از خداوند متعال امیدوارم به ایشان توفیق بیشتر و بهتر نوشتن، و به خوانندگان ایشان توفیق خواندن و عمل کردن و رسـاندن عنایت فرماید، و به دیگر کسانی که ذوق و علاقه خدمت به اسلام و امت اسـلامی را دارند نیز همت و حوصله عطا نماید، بویژه در عـرصه ترجمـه و تألیـف بزبان فارسـی، به امیـد آنکه إن شـاء الله شـاهد پا گذاشتن جـوانان فعال دیگری در ایـن میدان باشیم.

عبدالله حیدری

28/5/1377هجری شمسی برابر با

26/4/1419هـجری قمری

مقدمه مترجم

 الحمد لله الذي فرض الصلاة على عباده وأمرهم بإقامتها وحسن أدائها وعلَّق النجاح والفلاح بالخشوع فيها وجعلها فرقاناً بين الإيمان والكفر وناهية عن الفحشاء والـمنكر والصلاة على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين، أما بعد:

نماز ركن دوم اسلام و از مهمترين ركن بعد از شهادتين بشمار مى‌رود، خداوند مى‌فرمايد: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ﴾ [النحل:44].

«و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فروفرستاده شده است».

پس رسول الله ج این امانتی که بر دوش او بود بطور کامل به مردم رسانیده است، و نماز بزرگ‌ترین عبادتی است که برای مردم بیان فرموده، هم با قول و هم با فعل، حتی اینکه یکبار بالای منبر نماز خواند تا مـردم از او چگونگی نماز را بیاموزند و فرمود: «إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتَمُّوا بِي، وَلِتَعْلَمُوا صَلَاتِي» [متفق علیه]. «من اینکار را کردم تا اینکه شما از من پیروی کنید و چگونگی نماز خواندن را یاد بگیرید».

رسول الله ج فرمودند: «إنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الصَّلَاةُ الْـمَكْتُوبَةُ، فَإِنْ أَتَمَّهَا، وَإِلَّا قِيلَ: انْظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أُكْمِلَتِ الْفَرِيضَةُ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يُفْعَلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْـمَفْرُوضَةِ مِثْلُ ذَلِكَ» [أبوداود وابن ماجه].

«اولین چیزی که بنده مسلمان در روز قیامت در مورد آن باز خواست مى‌شود نماز است، پس اگر آن را بطور کامل ادا کرده که خوب است، وگرنه خداوند به فرشتگان خود مى‌فرماید: (در حالیکه او بهتر مى‌داند) نگاه کنید آیا بنده من نماز سنت و نافله‌ای هم دارد؟ پـس اگر علاوه بر فریضه، نماز نفل و سنتی داشت فریضه‌ای را که در آن نقص وجود دارد با آن سنت و نافله کامل مى‌کنند، سپس به همین ترتیب به بقیه اعمال وی حسابرسی مى‌شود».

پس نماز سرمایه هر مسلمان بشمار مى‌رود، زیرا تمامی اعمال و کردار او وابسته به قبول شدن، یا رد شدن نماز اوست، همچنانکه تاجر اگر سرمایه نداشته باشد نمى‌تواند تجارت کند تا سودی ببرد، و این دلالت بر بزرگی منزلت نماز در اسلام دارد.

پس کسیکه آرزوی ملاقات خداوند را دارد نباید از ادای آن کسالت ورزد زیرا نماز تشخیص دهنده و بیان کننده حد فاصل بین اسلام و کفر است، و آن ستون اسلام بشمار مى‌رود که بجز آن بر چیزی دیگر استوار نخواهد ماند.

پیامبر اسـلام ج ما را به پیروی از خود امر فرموده، و این پیروی را بر ما واجب کرده است، چنانکه مى‌فرمایند: «صَلُّوْا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [بخاری].

«طوری نماز بخوانید که مرا دیدید نماز مى‌خوانم».

و بشارت داده به کسیکه مانند او نماز بخواند، که خداوند عهد و پیمان کرده اسنت گناهان او را ببخشد، چنانکه مى‌فرماید: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّـهُ مَنْ أَحْسَنَ وُضُوءَهُنَّ، وَصَلَّاهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ، وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ وَخُشُوعَهُنَّ، كَانَ لَهُ عَلَى اللَّـهِ عَهْدَاً أَنْ يَغْفِرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّـهِ عَهْدٌ، إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ، وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ» [أبوداود].

«خداوند پنج نماز بر بندگانش فرض نموده است، کسیکه بطور کامل وضوء بگیرد و به وقت آن نمازها را ادا کند، و رکوع و سجود و خشوع و خضوع آن‌ها را بطور کامل انجام دهد، خداوند تعهد کرده است که گناهان او را ببخشاید، و کسیکه آن را انجام ندهد خداوند تعهدی ندارد که گناهان او را ببخشد، اگر خواست گناهان او را مى‌بخشد، وگرنه او را عذاب مى‌دهد».

لذا با در نظر داشت این أهمیت فوق العاده، ما این رساله مختصر که در همین باب نوشته شده برای مسلمانان فارسی زبان ترجمه کردیم تا به أهمیت آن پی ببرند و چگونگی ادای نماز را بیاموزند و آن را بطور کامل ادا کنند.

إسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض 29/1/1419هجری قمری

مقدمه

الحمد لله وحـده والصـلاة والسـلام على رسول الله محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم وبعد:

چندین بار از من خواسته شد تا کتابی مختصر و جامع درباره رکن دوم اسـلام که نماز است بنویسم، کتابی در برگیرنده امور اساسی آن بوده و در عین حال قابلیت ترجمه بزبان‌های دیگر نیز داشته باشد.

لذا پس از جمع کردن و بررسی کتاب‌هائیکه در باره نماز نوشته شده، برایم واضح گردید که هر کتابی در یکی از قسمت‌های نماز سخن مى‌گوید.

بعضی از آن‌ها در باره صفت و چگونگی ادای نماز نوشته شده، و أهمیت و فضل نـماز را ترک کرده، و بعض دیگر مسائل اختلافی را که برای نوآموزان ذکر آن لازم نیست شرح داده‌است.

پس لازم دانستم مسائل مهمی که بر هر مسلمان واجب است آن را انجام دهد، با إرائه دلایل شرعی از قرآن کریم و سنت رسول الله ج جمع آوری کنم و مسائلی که در آن اختلاف وجود دارد، و نیز پژوهش‌های طولانی را ترک کنم، با مراعات به اختصار و شمولیت موضوع، تا اینکه به فهم هر خواننده‌ای نزدیک بوده و ممکن باشد به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شود.

از خداوند مسئلت دارم كه نفع آن را به همگي برساند و خداست شنوا و إجابت كننده دعاها.

والله الـموفق

ریاض 1/1/1414ﻫ

د. عبدالله بن أحمد الزید

پيشگفتار

 در صحیحین از رسول اکرم ج ثابت است که فرمودند: «بُنِيَ الإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّـهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ البَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» [متفق عليه].

این حدیث شریف شامل ارکان پنجگانه اسلام است که عبارتند از:

«رکن أول: گواهی دادن که خدائی بحق نیست مگر خدای یکتا، و محمدج رسول و فرستاده خداست.

و معنی شهات «لا إله إلاَّ الله»: یعنی معبود و خالق بحقی نیست مگر خدای یکتا و یگانه.»

پس «لا إله» تمامی آنچه غیر از خدا عبادت مى‌شود نفی مى‌کند.

و «إلاَّ الله» عبادت خدای يكتائی كه هيچ شریكی ندارد ثابت می‌كند، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٨﴾ [آل عمران: 18].

«خداوند که به داد (همه امور هستی) را تدبیر مى‌کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود (حقی) جز او نیست. (آری) معبود (حقی) جز او (که) پیروزمندِ فرزانه است، نیست».

پس مقتضای شهادت «لا إله إلاَّ الله» اعتراف کردن به سه چیز است:

اول: اینکه توحید ألوهیت فقط برای خدای یکتاست.

و آن عبارت است از: یکتا دانستن خداوند به تمام عبادت‌ها، و عدم اعتقاد چیزی از آن برای غیر از او.

و این توحید ألوهیت چیزی است که خداوند مخلوقات را بسبب آن آفـریده چنانکه مى‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«جن و إنس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام».

و همین - ألوهیت - است که خداوند پیامبران را بسبب آن فرستاده، و کتاب‌ها را نازل فرموده است.

چنانکه مى‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«و به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید».

و شرك ضد توحيد است

پس اگر معنای «توحید»: تمام عبادت‌ها را فقط از آن خـدا دانستن است، «شرک»: انجام چیزی از عبادت‌ها برای غیر خداست.

و کسیکه بدون اکراه چیزی از انواع عبادت اعم از نماز، یا روزه، یا نذر، یا قربانی، یا طلب مدد را برای غیر خدا، چه صاحب قبری، و چه غیر از آن انجام دهد به خـدا شرک آورده و برای او شریکی قائل شده است.

و شرک بزرگ‌ترین گناهان است، تمامی اعمال و کردار را محو و نابود مى‌کند، وکسیکه به شرک آلوده شود، مال و جان او مباح است.

دوم: توحید ربوبیت: و عبارت است از: اعتقاد داشتن به اینکه خداوند خالق همه مخلوقات و روزی دهنده آن‌هاست، و اوست که به آن‌ها زندگی مى‌بخشد سپس آن‌ها را مى‌میراند.

و تدبیر کننده‌ای که برای او ملکیت آسمان‌ها و زمین است.

و اقرار نمودن به این نوع توحید جزو فطری است که خـداوند بنده را بر آن بطور فطری و غریزی آفریـده، و همه انسان‌ها حتی مشرکین که پیامبر اسـلام ج در بین آنان مبعوث شده بود به این نوع توحید اقرار داشتند، و آن را انکار نمى‌کردند، چنانکه خداوند مى‌فرماید: ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ٣١﴾ [یونس: 31].

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی مى‌دهد، یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون مى‌آورد، و مرده را از زنده بیرون مى‌آورد؟ و کیست که کار (هستی) را تدبیر مى‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمى‌کنید؟».

و هیچکس از انسان‌ها این توحید را انکار نمى‌کند بجز عده أی شاذ و نادر از بشر که ظاهراً آن را انکار مى‌کنند، أما در باطن به آن اعتراف دارند، و این انکارشان فقط از روی عناد و گردنکشی است، چنانکه خداوند مى‌فرماید: ﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗا﴾ [النمل: 14].

«و آن (ها) را در حالی که دل‌هایشان آن (ها) را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند».

سوم: توحید اسماء و صفات خـداوند**:** که عبارت است از: ایمان داشتن به آنچه خـداوند خود را به آن توصیف فرموده، یا به آنچه رسول اللهج خداوند را به آن وصف فرموده است.

و ثابت کردن آن به صورتیکه شایسته و لایق عظمت و کبریائی بارى تعالی باشد، بدون بیان کیفیت چگونگی آن، و بدون آوردن مثال برای آن، و بدون شبیه کـردن به چیزی، و بدون تحریف و تغییر دادن نص و معنای آن، و بدون انکار اسم و صفتی از اسم‌ها و صفات‌های خداوند، چنانکه مى‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف:180].

«و خداوند نام‌های نیک دارد. پس به آن (نام‌ها) او را به (دعا) بخوانید».

و همچنان مى‌فرماید: ﴿فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشورى: 11].

«چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست».

پس «لا إله إلاَّ الله»: اعلان کردن و اقرار نمودن است به این سه نوع توحید، و هر کسیکه آن را بگوید بطوریکه معنای آن را بداند، و به مقتضا و ضروریات آن از قبیل نفی شرک و اثبات یگانگی خداوند عمل کند، او مسلمان حقیقی است.

و کسى که آن را بگوید و به معنی و ضروریات آن ظاهراً عمل کرده و در باطن آن را انجام ندهـد و به آن اعتقاد نداشته باشد، او منافق است، و کسى که با زبان بگوید و کردار او مخالف مقتضا و ضروریات آن باشد، او کافر است، اگر چه بارها آن را تکرار کند.

و معنای شهادت «محمد رسول الله»: ایمان و تصدیق به رسالت محمد است، و چیزى که محمد ج آن را از نزد خـداوند آورده که این ایمان و تصدق بایستی با انجام دادن و اطاعت کردن از اوامر او، و دوری جستن از آنچه که از آن نهی فرموده همراه باشد، و اینکه تمامی عبادت‌های انسان مطابق و موافق دستور و فرمایش رسول خـدا ج باشد، چنانکه خداوند مى‌فرماید: ﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨﴾ [التوبة: 128].

«بى‌گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص (و) به مؤمنان رئوفِ مهربان است».

و همچنان مى‌فرماید: ﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَ﴾ [النساء: 80].

«هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است».

و مى‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٣٢﴾ [آل‌عمران: 132].

«و از خداوند و رسول (او) فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید».

و مى‌فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡ﴾ [الفتح: 29].

«محمد ج رسول خداست و کسانى که با اویند بر کافران سخت‌گیر و درمیانِ خود مهربانند».

رکن دوم و سوم:ادای نماز، و دادن زکات است چنانکه خداوند متعال مى‌فرماید:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ٥﴾ [البينة: 5].

 «و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را -در حالى که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی)- بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین».

و مى‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ٤٣﴾ [البقرة: 43].

«و نماز برپای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

و نماز همان چیزی است که ما در صدد و قصد بیان آن هستیم.

و زکات: آنچیزی است که از اموال اغنیاء و ثروتمندان گرفته مى‌شود و بر فقیران و دیگر مستحقین آن توزیع مى‌گردد.

و این اصل و قاعده بزرگ و عظیمی از اصول اسلام است، که بوسیله آن هماهنگی و همبستگی در جامعه اسلامی بوجود مى‌آید، و افراد آن به یگدیگر کمک و یاری مى‌دهند، لذا مى‌بینیم که برای فقیر در آنچه در دست غنی و ثروتمند است حقی داده شده، بدون اینکه غنی و ثروتمند بر فقیر منّت بگذارد.

رکن چهارم: روزه ماه مبارک رمضان است. چنانکه مى‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾ [البقرة: 183].

«ای مؤمنـان، روزه بر شما مقرر شده است، چنانکه بر پیشینیانتان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید».

رکن پنجم: حج و زیارت خانه خدا است برای کسیکه استطاعت آن را داشته باشد.

چنانکه خداوند مى‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [آل عمران: 97].

«و برای خداوند حج خانه (کعبه) بر (عهده) مردم است، (البته) کسى که بتواند سوی آن راه برد. و هرکس کفر ورزد، (بداند) که خداوند از جهانیان بى‌نیاز است».

فضل نماز

از آنچه گذشت معلوم مى‌شود که نماز شأن و منزلت بزرگی در اسـلام دارد، و رکن دوم از ارکان اسلام است که اسلام بنده صحیح و درست نمى‌شود مگر با ادای آن، و اینکه کسالت در آن از صفات منافقین است، و ترک آن کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام مى‌باشد، چنانکه رسول گرامی ج مى‌فرماید: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكَ الصَّلَاةِ» [مسلم].

«بین مرد و بین شرک آوردن و کافر شدن ترک کردن نماز است».

و همچنین ج مى‌فرماید: «اَلْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» [ترمذي].

«فرق بین ما مسلمانان و بین کافران و مشرکین نماز است، پس کسیکه آن را ترک کند کافر مى‌شود».

و نماز پایه و اساس اسـلام است، و آن واسطه بین بنده و خداست، چنانکه رسول الله ج در حدیث صحیح مى‌فرماید: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يُنَاجِي رَبَّهُ» [بخاری].

«هریک از شما وقتی نماز مى‌خواند با خداوند مناجات مى‌کند».

و آن علامت محبت و دوستی بنده با خدا و قدردانی او از نعمت‌هایش مى‌باشد.

و از بزرگی شأن و منزلت نماز نزد خداوند این است که اولین فریضه‌ای است که بر پیامبر ج فرض شده، و فرض شدن آن بر این امت در آسمان در شب إسراء و معراج بوده است.

و وقتی از رسول خدا ج سؤال شد: بهترین اعمال کدام است؟ آن حضرت ج فرموند: «الصَّلاَةُ عَلَى وَقْتِهَا» [متفق علیه].

«ادای نماز در اوقات آن».

و خداوند آن را پاکیزکی از گناهان و کارهای ناشاپست قرار داده است، چنانکه رسـول خدا ج مى‌فرماید: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: كَذَلِكَ الصَّلَوَاتِ الْـخَمْسِ، يَمْحُو اللهُ بِهِنَّ الْـخَطَايَا» [متفق عليه]. «ببینید اگر جوی آبی بر درب خانه یکی از شما جاری باشد و هر روز پنج بار در آن خودش را بشوید آیا از چرک و پلیدی بدن او چیزی باقی مى‌ماند؟ صحابهش گفتند: خیر، آنحضرتص فرمود: همچنین نمازهای پنجگانه که خداوند بوسیله آن خطاها و گناهان را محو و نابود مى‌کند».

و در حـدیث آمده که آخرین وصیت رسول الله ج برای امت و آخرین سفارش ایشان در وقت وداع گفتن این دنیا بسوی آخرت این بود که فرمودند: «در اداى نماز، وحقوق بردگان از خـدا بترسید، یعنی: به آنان احسان و نیکی کنید». [أحمد ونسائی وابن ماجه].

و خداوند در قرآن امر نماز را بسیار بزرگ شمرده و نماز و اهل نماز را شرافت بخشیده است، و در مواضع بسیار زیادی از قرآن کریم آن را یاد فرموده، و بطور خصوصی به آن سفارش نموده است، از آن جمله ارشاد بارى تعالی چنین آمده است: ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ ٢٣٨﴾ [البقرة: 238].

«بر (گزاردن) نمازها و (بویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه (به عبادت) بایستید».

و همچنین خداوند مى‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾ [العنكبوت: 45].

«و نماز را برپاى دار که نماز از (کارهای) ناشایست و ناپسند بازمى‌دارد».

و باز مى‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ١٥٣﴾ [البقرة: 153].

«ای مؤمنان، از بردباری و نماز مدد بجویید، که خدا با بردباران است».

و همچنین مى‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103].

«که نماز بر مؤمنان واجبی زماندار است».

و خداوند بر كسى كه نماز را ضايع و پايمال كرده ادا نمى‌كند، عذابي دردناک واجب نموده و مى‌فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا٥٩﴾ [مريم: 59].

«آنگاه پس از آنان ناخلفانی جانشین شدند که نماز را ترک کردند و از خواسته‌ها (ی نفسانی) پیروی کردند. پس (کیفر) گمراهی را خواهند یافت».

پس بر هر مسلمان واجـب است که بر نماز محافظت و پایبندی کند، و همچنانکه خداوند آن را فرض نموده، و در اوقات خـودش آن را ادا کند، با نیت اینکه این عبادت به شکل درست، اطاعت از خدا و رسول خداست، و بداند که در صورت تخلف به خشم و غضب دردناک و عقاب خداوندی گرفتار خواهد شد.

طهارات و پاكيزگی

 طهارت و پاکیزگی: پاکی بـدن و لباس و جـایگاه خـواندن نماز را در بر مى‌گیرد، و طهارت بدن به دو چیز حاصل مى‌شود:

1. غسل: از جنانب و حیض (عادت ماهانه) و نفاس (خـونی که بعد از وضع حمل مى‌آید) که با ریختن آب بر تمامی جسم و موی سر با نیت طهارت، حاصل مى‌گردد.
2. وضوء: خداوند مى‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِ﴾ [المائدة: 6].

«ای مؤمنان، چون به (قصد) نماز برخیزید، روی خود و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشویید وسرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو کعب ([[1]](#footnote-1)) (قوزک بشویید)».

این آیه کریمه شامل اموری است که مرعات نمودن آن در وقت وضوء واجب است:

1. شستن صورت، که مضمضه و استنشاق نیز جزو صورت شمرده مى‌شوند.

یعنی شستشوی دهان و بینی بوسیله داخل کردن آب در آن‌ها.

1. شستن دو دست تا آرنج.
2. مسح کردن تمامی سر، که گوش‌ها نیز جزو آن است.
3. شستن دو پا تا قوزک (شتالنگ ، بجلک).

و پاکیزگی لباس و جایگاه ادای نماز، این است که آن‌ها را از نجاست‌ها مانند إدرار و مدفوعات انسان و مانند آن پاک نمود.

نمازهای فرض

 نمازهای فرض بر مسلمان در هر شبانه روز پنج وقت است که عبارتند از: نماز صبح که آن را نماز فجر یا بامداد گویند، و نماز ظهر، و نماز عصر، و نماز مغرب، و نماز عشاء و یا خفتن.

1. نماز صبـح: دو رکعت است و وقت آن از طلوع فجر صادق یعنی فجر دوم -و آن روشنی است که در آخر شب از جهت مشرق مى‌آید- تا طلوع آفتاب.
2. نماز ظهر: چهار رکعت است و وقت آن از اول زوال (مایل شدن) آفتاب از وسط آسمان شروع مى‌شود و تا هنگامی که سـایه هر چیز علاوه از سایه اصلی آفتاب یک برابر آن شود ادامه دارد([[2]](#footnote-2)).
3. نماز عصر: چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت نماز ظهر شروع مى‌شود تا اینکه سایه هر چیز دو برابر آن شود (و وقت ضرورت) تا قبل از غروب آفتـاب که رنگ آن زرد شود ادامه دارد.
4. نماز مغرب: سه رکعت است و وقت آن از غروب آفتاب شروع شده وتا ناپدید شدن شفق سرخ ادامه دارد.
5. نماز عشـاء چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت مغرب تا یک سـوم شب و یا نیمه أول شب ادامه پیدا مى‌کند.

صفت و چگونگی نماز

بعـد از اتمام طهارت و پاکیزگی بـدن و محل نماز با صفتی که ذکر کردیم انجام گرفت، و مسلمان از دخول وقت نماز مطمئن شد بطرف قبله که خـانه خـدا در مکـه است ایستاده و برای هر نمازی که مى‌خواست بخواند اعم از فریضه و سنت و نافله در قلب خودش نیت مى‌کند ([[3]](#footnote-3)) و سپس اعمال ذیل را انجام مى‌دهد:

1. در حالیکه به سجده گاه خودش مى‌نگرد تکبیر تحریمه «الله أکبر» مى‌گوید.
2. در هنگام گفتن تکبیرة تحریمه هردو دست خود را در تا برابر دو شانه و یا مقابل گوش‌ها بالا مى‌برد.
3. و سنت است که بعد از تکبیر تحریمه دعای استفتاح نماز بخواند([[4]](#footnote-4)) و بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّـهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرَكَ».

«بار إلها! ما تو را منزه مى‌دانیم، و تو را حمد و سپاس مى‌گوئیم، و نام تو را برتر مى‌دانیم و هیچ معبـود بر حقی غیر از تو وجود ندارد».

و اگر بخواهد بجای دعای گذشته این دعاء را مى‌خواند: «اللَّـهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْـمَشْرِقِ وَالْـمَغْرِبِ، اللَّـهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّـهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالْـمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَد».

«بار إلها! همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله ایجاد کردی، بین من و گناهانم فاصله ایجاد کن . پروردگارا! همچنانکه لباس سفید از چرک پاک مى‌شود مرا از گناهانم پاک گردان. خداوندا! مرا از گناهانم با آب و یخ (برف) و تگرگ شستشو ده».

1. پس مى‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

«پناه می‌برم به خدا از شر شیطان ملعون و نفرین شده، بنام خداوند بخشاینده مهربان».

سپس سوره فاتحه را قراءت مى‌کند:

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ٧﴾ [الفاتحة: 1-7]. و بعد از آن مى‌گوید: «آمین».

«ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان بخشاینده مهربان، خداوند روزِ جزا، تنها تو را بندگی مى‌کنیم، و تنها از تو یاری مى‌جوییم، ما را به راهِ راست ره نما، راه کسانى که به آنان انعام کرده‌ای (راه پیغمبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان)، نه آنان که مورد خشم قرارگرفته‌اند (یهود)، و نه راه گمراهان (نصاری)».

«آمـین» دعای ما را بپذیر، و ما را به راه راست پایدار گردان.

1. سپس سوره‌ای از سوره‌های قرآن که آن را حفظ دارد قراءت مى‌کند مانند: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الإخلاص: 1- 4].

«بگو: خداوند است که یگانه است، خداوند بى نیاز است، نه (فرزند) زاده، و نه زاده شده است، و هیچ کس همتای او (نبوده) و نیست».

یا سوره: ﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا٣﴾ [النصر].

«چون نصرتِ الهی و فتح فرا رسد، و مردم را ببینی که گروه گروه در دینِ خدا درمى‌آیند، پس پروردگارت را با ستایش (او) به پاکی یاد کن و از او آمرزش بخواه. بى‌گمان او توبه‌پذیر است».

1. بعد از آن به رکـوع رفته مى‌گوید: «الله أكبر» و دو دست خود را بر زانوی خود مى‌گذارد و مى‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِیمِ» «پاک است پروردگار بزرگ من».

و سنت است که سه بار یا بیشتر آن را تکرار کند.

1. سپس سر را از رکوع بلند کرده مى‌گوید: «سَمِعَ اللَّـهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» «خدا مى‌شنود -و مى‌پذیرد- ستایش کسیکه او را ستایش نماید»، خواه إمام باشد و یا منفرد (تنهاگذار).

و بعد از راست شدن و آرام گرفتن از رکوع مى‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مل السموات ومل الأرض ومل ما بينهما ومل ما شئت من شيء بعد».

«ای پروردگار ما! ستایش حقیقی ویژه تو است، بیشترین و بهترین و مبارکترین حمد و سپاسی که آسمان‌ها و زمین، و آنچه بین آن دو است، و آنچه تو خواهی پر شود از آن».

اما اگر مقتدی باشد در این هنگام مى‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ...» تا آخر این دعاء.

1. سپس سجده کرده مى‌گوید: «الله أكبر» و بر اعضای هفتگانه خود سجده مى‌کند که عبارتند از:

پیشانی با بینی، و کف هردو دست، و هردو زانو، و سر انگشتان دو پا، و مى‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» «پاک است پروردگار بزرگ من».

سه بار و یا بیشتر آن را تکرار مى‌کند، علاوه بر آن هرچه دوست داشت مى‌تواند دعا کند.

1. سپس در حالیکه سر خود را از سجـده بلند مى‌کند مى‌گویـد: «الله أكبر» آنگاه بر پای چپ خود مى‌نشیند و پای راستش را نصب مى‌کند و دست‌هایش را روی ران و زانویش مى‌گذارد و مى‌گویـد: «رَبِّ اغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، وَعَافِنِی وَارْزُقْنِی وَاهْدِنِی وَاجْبُرْنِی».

«ای پروردگار من! از گناه و تقصیراتم درگذر، و بـه من رحم کن، و مرا عافیت ده، و مرا روزی عطا کن، و مرا هدایت فرما، «واجبرنی»: آنچه بر انسان مى‌گذرد از نقص در بـدن، مانند مریضی و امثال آن، و در دین، مانند کوتاهی کردن در اوامر و دستورات، و افراط (زیاده روی) در محظورات که آن را جبران فرماید».

1. سپس در حالى که «الله أكبر» مى‌گوید سجـده دوم را بجا مى‌آورد، آنچه در سجده أول انجام داده در سجده دوم نیز تکرارش مى‌کند.
2. سپس «الله أكبر» گویان برای رکعت دوم بلند مى‌شود، بدین ترتیب رکعت أول تمام مى‌شود.
3. سپس سوره فاتحه و یک سوره (یا چند آیه دیگر) از قـرآن مى‌خواند و به رکوع مى‌رود، از رکـوع بلند مى‌شود سپس عیناً مانند أول دو سجده مى‌کند.
4. بعد از بلند شدن از سجـده دوم همچنانکه بین دو سجده نشسته بـود مى‌نشیند و آنگاه «التحیات» را به این ترتیب مى‌خواند: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّـهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّـهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

یعنی: «تمام تعظیم‌ها و نمازها و سایر پاکی‌ها فقط از آن خداست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نیکوکار خدا، گواهی مى‌دهم که جز خدای بر حـق معبودی نیست، و گواهی مى‌دهم که محمد رسول و فرستاده اوست».

سپس اگر نماز دو رکعتی بود مانند نماز صبـح و جمعه و هردو عید، همچنان به نشستن خود ادامه مى‌دهد و نمازش را با خواندن این درود کامل مى‌کند: «اللَّـهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

«بار إلها! درود و رحمت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر إبراهیم و آل إبراهیـم رحمت فرستادی، تو ستایش شده و بزرگوار هستی). (پروردگارا! برکت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر إبراهیم و آل إبراهیـم برکت نازل فرمودی، تو ستایش شده و بزرگواری». و از چهار چیز به خداوند پناه مى‌برد: «اللهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَحْيَا وَالْـمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْـمَسِيحِ الدَّجَّالِ».

«خداوندا! من به تو پناه مى‌برم از عـذاب دوزخ، و عـذاب قبر، وفتنه زندگی و برزخ، و فتنه مسیح دجال». سپس آنچه از خیر دنیا و آخرت بخواهد دعا مى‌کند، چه اینکه در نماز فرض، و چه در نماز سنت و نفل باشد.

آنگاه بسوی راست سلام مى‌دهد: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ الله»، همچنان بسـوی چپ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ الله».

و اگر نماز سـه رکعت باشد مانند نماز مغرب، و یا چهار رکعت باشد مانند نمازهای ظهر و عصر و عشاء بعد از التحیات «الله أكبر» گویان بلند مى‌شود و فقط سوره الفاتحه را تلاوت مى‌کند.

سپس مانند دو رکعت أول رکوع و سجود مى‌کند، در رکعت چهارم نیز به همان ترتیب، بجز اینکه در وقت نشستن بطور متورک مى‌نشیند، یعنی: پای چپ خـود را زیر پای راست گذاشته و مقعد خود را بر زمین مى‌گذارد و پای راست خود را نصب مى‌کند.

آنگاه بعد از رکعت سوم در نماز مغرب، و بعد از رکعت چهارم در نمازهای ظهر و عصر و عشـاء تشهد أخیر را مى‌خواند، و بر پیامبر ج درود مى‌فرستد، و اگر خواست دعا مى‌کند. سپس به دو طرفش مثل أول سلام مى‌دهد، بدین ترتیب تا این‌جا نمازش تمام شده است.

نماز جمعه

 دین اسلام اجتماع را دوست دارد و به اجتماع و هماهنگی دعوت مى‌کند و تفرقه را ناپسند مى‌شمارد و از آن تنفر و دوری مى‌جوید.

و هیچ فرصتی از فرصت‌های آشنائی متقابل و أُنس گرفتن و دوستی و اجتماع و هماهنگی بین مسلیمن دیده نشده مگر اینکه آنان را به آن دعوت نموده و امر کرده است.

و روز جمعه، روز عیدی برای مسلمانان است که در آن به ذکر و سپاس خـدا مشغول مى‌شوند، و در خانه‌های خدا اجتماع کرده از دنیا و گرفتاری‌های آن خود را دور مى‌نمایند تا فریضه‌ای از فرائض خدا را انجام دهند، و به توجیهات و سفارشات خطباء و ارشاد علماء در خطبه‌های جمعه که بمثابه درسی از دروس هفته مى‌باشد و امامان و خطبای جمعه مشاکل هفتگی جامعه را معالجه مى‌کنند گوش فرا دهند.

خداوند مى‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩ فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ١٠﴾ [الجمعة: 9-10].

«ای مؤمنان، چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به (عبادت و) یادِ خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید این برایتان بهتر است آنگاه چون نمازگزارده شود، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجویید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید».

و نماز جمعه بر هر مرد مسلمان و بالغ و آزاد و مقیم واجب است.

رسـول خدا ج بر آن مواظبت کرده و کسانیکه آن را ترک مى‌کنند شدیداً تهدید کرده است. چنانکه مى‌فرماید: «لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْـجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونُنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» [مسلم].

«بخدا قسم که مردمی از ترک نماز جمعه باز مى‌آیند، یا اینکه خداوند بر قلب‌های آن‌ها مهر میزند و آنگاه آنان از غافلان و فراموش شدگان خواهند شد». و همچنین آن حضرت ج مى‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمَعٍ تَهَاوُنًا طَبَعَ اللَّـهُ عَلَى قَلْبِهِ» [أحمد ودارمی وأبو داود وترمذی ونسائی وحاکم].

«کسیکه سه نماز جمعه را از روی تهاون و کسالت ترک کند خداوند بر قلب او مُهر مى‌زند».

نماز جمعه بجز در مساجد صحیح نیست، آن‌جایی که مسلمانان در آن جمع مى‌شوند و إمام بر آن‌ها خطبه مى‌خواند و آنان را نصیحت و إرشاد مى‌نماید، این را هم باید توجه داشت که سخن گفتن در اثنای خواندن خطبه حـرام است، حتی اگر به رفیقت بگوئی ساکت شو، لغو و بیهوده گفته‌ای.

و نماز جمعه دو رکعت است و مسلمان اقتداء به إمام خود با جماعت آن را انجام مى‌دهد.

نماز جماعت

 نماز با جماعت بیست و هفت درجه «27» از نماز تنهائی فضلیت بیشتری دارد. این حدیث از ابن عمرب از پیامبر ج روایت شده چنانکه در صحیح بخاری آمده است.

و در حدیث دیگری آمده که رسول خدا ج فرمودند: «لقد هممت أن آمر بالصلاة فتقام ثم أخالف إلى قوم في منازلهم لا يشهدون الصلاة في جماعة فأحرقها عليهم» [متفق عليه].

«همانا تصمیم گرفتم که دستور دهم إقامه نماز گفته شود و شروع به خواندن نماز کنند، سپس بطرف مردمی بروم که در خـانه‌هایشان هستند و به جماعت حاضر نمى‌شوند پس خانه‌هایشان را بر آنان آتش زنم».

اگر تخلف آن‌ها از نماز جماعت معصیت بـزرگی نبود رسول الله ج آن‌ها را به سوختن خانه‌هایشان تهدید نمى‌کرد.

خـداوند مى‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ٤٣﴾ [البقرة: 43].

«و نماز بر پای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

نص صریح و واضحی است در وجوب مشارکت نماز گزاران در نماز جماعت.

نماز مسافر

 خداوند مى‌فرماید: ﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ185﴾ [البقرة: 185].

«خداوند در حق شما آسانی مى‌خواهد، و در حق شما دشواری نمى‌خواهد، و تا شمارِ (روزه) را کامل کنید، و خداوند را به پاس آنکه هدایتتان کرد، بزرگ بدارید. و باشد که سپاس بگزارید».

بلی اسلام چنین است، هیچ‌گاه کار دشواری بر عهده کسی نمى‌گذارد، مگر بأندازه استطاعت و توانائی آن، و أوامری که بداند در خور استطاعت آنان نیست واجب نمى‌کند. از آن‌جائی که در سفر احتمال مشقت و سختی وجود داشت خداوند به دو چیز اجازه داده است:

1. قصر نماز: که بنابر این آسانی نماز چـهار رکعتی به دو رکعت تخفیف مى‌یابد، پس اگر شما در سفر بودی باید نماز ظهر و عصر و عشاء را به جای چهار رکعت دو رکعت بخوانی، ولی نماز مغرب و صبح به حالت خود باقی مى‌مانند و در آنان قصر و تخفیفی نیست. قصر نماز اجازه و هدیه‌ای است از طرف خـداونـد به بندگان متقی و پرهیزگارش، و خـداوند دوست دارد که بنده همچنانکه فرائض او را انجام مى‌دهد به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل نماید.

و هیچ فرقی در نوع وسیله سفر نیست، چه سفر با ماشین و هواپیما و کشتی و قطار باشد، و یا با اسب و شتر و قاطر و چهار پایان، و یا با پای پیاده باشد، همه این‌ها اسم سفر بر آن اطـلاق مى‌شود و در هر صورت نماز قصر خوانده مى‌شود.

1. جمع بین دو نماز: برای مسافـر جـایز است([[5]](#footnote-5)) که بین دو نماز در یک وقت جمع کند، نمازهای ظهر و عصر را با هم، و نمازهای مغرب و عشـاء را با هم جمع مى‌کند. یعنی هردو نماز در یک وقت ادا مى‌شود، أما هر نماز جدا از دیگری خوانده مى‌شود، أول نماز ظهر و سپس فوراً نماز عصر را مى‌خواند . یا أول نماز مغرب و بعد از آن نماز عشاء را ادا مى‌کند. البته باید بخاطر داشت که جمع بین نمازها صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشاء اختصاص دارد، بنابر این جمع کردن بین نماز صبح و نماز ظهر، و یا بین نماز عصر و نماز مغرب جایز نیست.

أذكار و أورادی كه بعد از نماز گفته می‌شود

سنت است که بعد از نماز سه بار استغفر الله بگویـد، و علاوه بر آن مى‌گوید: «اللَّـهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْـجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّـهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْكَ الجَدُّ». آنگاه (33) سبحان الله و (33) الحمد لله و (33) الله أکبر مى‌گوید که مجموعاً (99) بار مى‌شود، و برای تکمیل عدد (100) مى‌گوید: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». سپس آیـة الکرسی: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞ...﴾ [البقرة: 255]. و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١﴾ را مى‌خواند. و مستحب است که سه سـوره گذشته را بعد از نمازهای صبـح و مغرب سـه بار تکرار کنـد. و همچنین: «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّـهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِیك لَهُ، لَهُ المُلْك وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ» (10) مرتبه بگوید.

البته تمام این أذکار و أوراد سنت بوده واجب نیست.

سنت‌های راتبه

برای هر مسلمان مستحب است که بر «12» رکعت نماز سنت مواظبت کند بشرطیکه مقیم باشد. که عبارتند از: چهار رکعت قبل از نماز ظهر و دو رکعت بعـد از آن، و دو رکعت بعد از نماز معـرب، و دو رکعت بعـد از نماز عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبـح. أما در وقت سفـر پیامبر ج سنت‌های ظهر و مغرب و عشاء و ترک مى‌کردند، و بر سنت صبـح و نماز وتر([[6]](#footnote-6)) محافظت مى‌کردند. و بر ما است که کردار رسول الله ج را أسوه و قدوه حسنه خود بدانیم خـداوند مى‌فرماید: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21].

«به راستی برای شما، در رسول خدا سرمشقی نیکوست».

و گفتار رسول الله ج که فرمودند: «صَلَّوْا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [بخاری].

«نماز بخوانید همچنانکه مرا دیدید نماز مى‌خوانم».

والله ولي التوفيق

ترجمه‌ی نويسنده‌ی اين كتاب بطور مختصر

نویسنده این کتاب دکتر عبدالله بن احمد بن علی الزید است که در شهرک (الغاط) یکی از شهرک‌های پایتخت عربستان سعودی که تا خود شهر ریاض (250) کیلومتر فاصله دارد، در سـال 1370هجری قمری دیده بدنیا گشود، و در سال 1393هجـری قمری در دانشـگاه اسـلامی محمد بن سعود در ریـاض موفق به أخذ لیسانس شـد، و بعد از آن در سال 1406هجـری قمری موفق به أخذ دکتراه در همان دانشگاه گردید.

و در حال حاضر در وزارتخانه شئون اسـلامی و أوقاف و دعـوت و إرشاد پُست معاونت مطبوعات و نشر در عربستان سعودی را بعهده دارد.

1. - (و فاصله میان معطوف به واو، به معطوف به فاء براى ترتیب است که أول رو، دیگر دو دست شسته شوند، دیگر مسح سر شود، دیگر پا شسته شود، و آوردن شستن پا بعد از مسح سر براى این است که در شستن پا إسراف در ریختن آب نیاید، زیرا براى شستن رو و دو دست به کف آب گرفته مى‌شود و إسراف نمى‌آید، أما در شستن پا و ریختن آب بر آن مظنهء إسراف است). [↑](#footnote-ref-1)
2. - و در نزد بعضى علماء و مذاهب اسلامى مانند مذهب أحناف وقت ظهر تا زمانى ادامه پیدا مى‌کند که سایهء هر چیز علاوه از سایهء اصلى دو برابر شـود، = = اگر سایهء اصلى جـوان (1.5) مترى در وقت زوال (هنگامیکه آفتاب بالاى سر ایستاده) (20) سانتى متر بوده تا وقتى که سایهء او سه متر و (20) سانتى متر شود وقت نماز ظهر ادامه دارد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-2)
3. - نیت در قلب است، زیرا از رسول اکرم ج ثابت نشده که آنحضرت نیت را بر زبان آورده باشند، مگر نیت حج، و همچنین از صحابه و یاران و تابعین هم ثابت نشده، پس نیت کردن با زبان یک نوع بدعت بشمار مى‌رود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-3)
4. - دعاى شروع کردن نماز «استفتاح»، دعائیست که بعد از تکبیر تحریمه و قبل از شروع به قراءت فاتحه در نماز خوانده مى‌شود و حکم آن سنت است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - بعضى از علماء و مذاهب اسـلامى بنابر اجتهادات فقهى جمع کردن بین نمازها را در سفر جایز نمی‌دانند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-5)
6. - وتر یعنى : فرد و طاق و تنهائى. نماز وتر از سنن مؤکده مى‌باشد، و وقت آن بین نماز عشـاء و طلوع فجر است، کمترین آن یک رکعت، و میانه آن سه رکعت، و بیشترین آن یازده رکعت مى‌باشد، نماز وتر أول دو رکعت، و رکعت آخرى تنها خوانده مى‌شود، و در باره آن أحادیث بسیارى آمده که ما در اینجا فقط به دو حدیث إشاره می‌کنیم، پیامبرج فرمودند: «اجْعَلُوا آخِرَ صَلاَتِكُمْ بِاللَّيْلِ وِتْرًا»، آخرین نماز شب خود را وتر قرار دهید، متفق علیه. و فرمودند: «أَوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا»، نماز وتر را بخوانید قبل از اینکه شب را صبح کنید، روایت از امام مسلم مى‌باشد. به إجماع علماء و دانشمندان نماز وتر هر وقت بعـد از نماز عشاء تا طلوع فجر خوانده شود جایز است، البته در نزد بعضى علماء نماز وتر واجب است، و سه رکعت آن با هم خوانده مى‌شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-6)